

نظری به کتاب «زنان در تبعید» اثر مهناز افخمی

سرنوشت‌های درهم‌ریخته

Women in Exile
Mahnaz Afkhami
University Press of Virginia
Charlottesville and London
October 1994

خودشان به‌خوبی ترسیم می‌کند و توصیفی دلنشین از احساسات مشترک آنها که غربت زده‌اند و از آینده هراس دارند ارائه می‌دهد.

شخصیت‌های این کتاب در دوازده کشور مختلف ریشه دارند که عبارتند از: ویتنام، ال سالوادور، فلسطین (قبل از بوجود آمدن اسرائیل)، چین، ایران، آرژانتین، مالدوی، افغانستان، شیلی، روسیه، کامبوج و سودان.

مهناز افخمی زنی است پرتوان و کنکاشگر و موفق. اما او زنی است که از وطنش رانده شده است. او با همه تسلطش بر زبان و فرهنگ تبعیدگاهش - خود این کتاب شاهدهی بر آن است - گرفتار نوعی شکنندگی است که از خلال سطرهای کتاب به چشم می‌خورد. او مثل همه کسانی که در غربت یا تبعید زندگی می‌کنند یک نوع بیگانگی نسبت به محیط خود حس می‌کند و این دردی است که درمان آن راحتی در زندگی مرفه و پرتحرک امریکا نمی‌توان یافت.

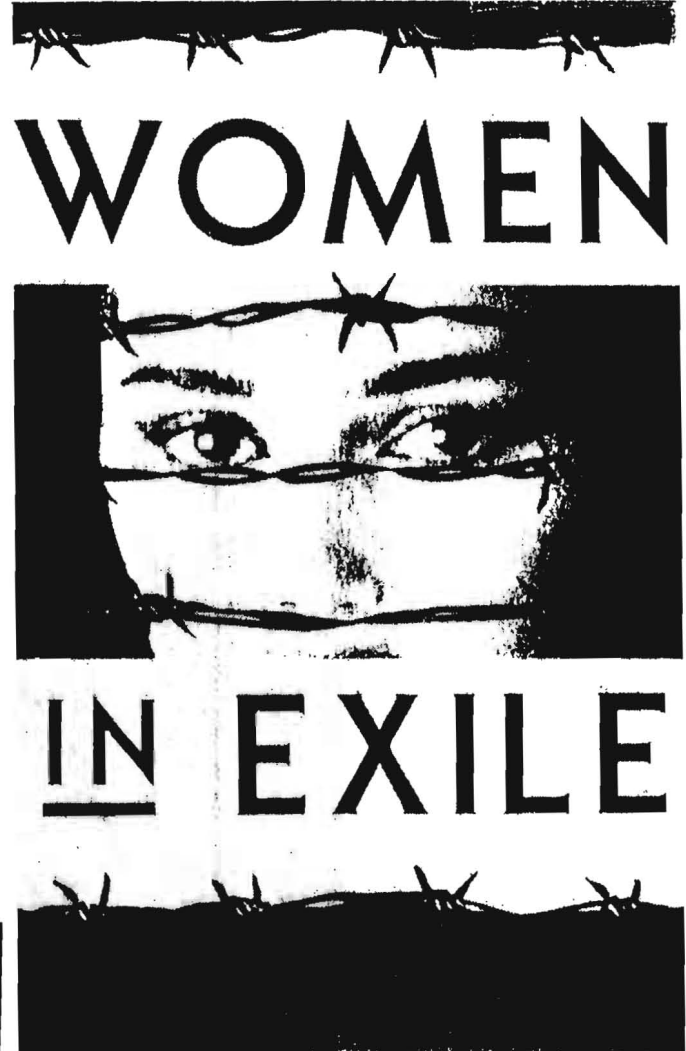
گیرم که آب و دانه دریغ نداشتند چون می‌کنند با غم بی همزبانیم؟

تغییر یافته، دیگر برای خود ناآشنا بودم. زنی که این قیافه خندان و خوشایند را عرضه می‌کرد «من» نبودم. این لفظ تفسیر من از سادگی و دوستانه بودن روابط اجتماعی امریکایی بود و من با آن خودم را آلوده کرده بودم.

می‌بینیم که نویسنده تا چه حد درگیر محیط و فرهنگی است که بر او تحمیل شده و نیز چگونه تلاش می‌کند که هویت اصلی خود را از دست ندهد. ناهنجاری زندگی در تبعید یا در غربت را همه ما کم و بیش احساس می‌کنیم و از آن رنج می‌بریم. به همین سبب خواندن کتاب «زنان در تبعید» برای ما دلنشین است.

اما این کتاب داستان نیست که فقط دلنشین بودن آن مورد نظر باشد. داستان زندگی درهم ریخته و متلاشی شده هر یک از شخصیت‌های کتاب، نموداری از تلاش زنانه است که به عنوان یک انسان و یک زن برای آرمان‌های خود مبارزه کرده‌اند و در تبعید نیز برای حفظ هویت خود و داشتن یک زندگی بامفهوم، هر یک به نحوی، می‌کوشند.

در این کتاب با دوازده زن که هر یک به کشوری و فرهنگی تعلق دارد آشنا می‌شویم. نویسنده کتاب اصالت هر چهره را حفظ کرده و شخصیت‌های متفاوت آنها را در فضای فرهنگی



مهناز افخمی زنی است در تبعید. تا آنجا که به ماهیت زن بودن او مربوط می‌شود، جریسان زندگیش به روشنی نشان می‌دهد که او هیچ‌گاه به محرومیت‌های زنان چه از نظر زندگی فردی و چه از دیدگاه نقش اجتماعی زن تن در نداده است. او هم در ایران و هم در تبعید در کنکاش زنان - نه تنها زنان ایرانی - برای رفع تبعیض‌ها و دستیابی به حقوقشان نقش‌آفرین بوده است.

در تبعید، بسا مردان که از پای درآمدند و سرخورده به گوشه‌ای رمیدند. زنان، اما، پایداری و پایداری بیشتری از خود بروز دادند. مهناز افخمی به عنوان تبعیدی نیز از همان ابتدای امر تسلیم نشد. او خود را با شرایط تازه زندگی تا حد مقدور تطبیق داد و تلاشی نور را در صدر جامعه ایرانیان برنمرزی آغاز نمود.

با آنچه گفته شد، طبیعی است که در سال‌های گذشته شرایط زندگی فردی و اجتماعی زنان در تبعید مورد بررسی و تعمق مهناز افخمی بوده است. حاصل

آزادی جوهر من است